جلسه 53 88-87

# مکاسب محرمه / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بر حرمت حفظ کتب ضلال ادله‌اي اقامه شده است که اولين دليل، آيه « **وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُواً أُولئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ** »لقمان /6 بود که آیه شریفه به دلیل وعده عذابی که بر اشترا لهو حدیث داده است و همچنین سیاق و لحن آن دلالت بر حرمت می‌کرد.

احتمالات در معنای اشترا

در اینکه مراد از اشترا در آیه چیست دو وجه و احتمال ذکر شده است.

احتمال اول خرید و فروش عرفی

شراء و اشتراء به معنا و مفهوم اولی خود یعنی دادوستد و بيع به معناي متعارف که مقابله عین به مال است می‌باشد و این معنی در قرآن هم بکار رفته است. «**وَ شَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَراهِمَ مَعْدُودَةٍ وَ كانُوا فيهِ مِنَ الزَّاهِدين**»یوسف/20

احتمال دوم دادوستد معنوی

تعميم دادن معنا و مفهوم اولی شرا-داد و ستد کالا به کالا یا پول نقد- به مواردی که یک نوع تبدیل و جابه‌جایی و معاوضه وجود دارد اما نمی‌توان نام آن را خرید و فروش متعارف گذاشت. اين همان تعميمي است که در قرآن به وضوح مشهود است مانند آیه «**يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى‏ تِجارَةٍ تُنْجيكُمْ مِنْ عَذابٍ أَليمٍ (10)تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجاهِدُونَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ**» صف/10 و 11 که در حقیقت در مقابل ایمان به خدا و جهاد در راه او، خداوند نجات و رستگاری را به مؤمنین عطا می‌کند در این موارد هر چند خرید و فروش متعارف صدق نمی‌کند اما یک نوع دادوستد واقع شده است که در مقابل کاری و عملی که بنده انجام می‌دهد خداوند پاداشی به او می‌دهد گویی انسان باخدای خود معامله‌ای انجام می‌دهد در حقيقت اشتراء به معناي اوسع از معنای اول می‌باشد که مقصود معامله معنوي و تعامل معنوي است و در قرآن هم نوع سودآور معنوی آن اشاره شده است هم به نوع زیان‌آور آن اشاره شده است «**أُولئِكَ الَّذينَ اشْتَرَوُا الضَّلالَةَ بِالْهُدى‏ فَما رَبِحَتْ تِجارَتُهُمْ وَ ما كانُوا مُهْتَدينَ**» بقره/16 که طبق آنچه در این آیه به آن اشاره می‌کند هدایت را می دهند و ضلالت را می‌گیرند. و مراد مرحوم ایروانی که معنای یشتری در آیه را تعاطی می‌داند همین وجه است.

معانی محتمل در کلمه لهو در آیه و ارتباط آن با یشتری

در اين آيه شريفه کلمه لهو به چه معنا است دو احتمال متصور است

1. احتمال اول اینکه مقصود و مراد از لهو، عمل و فعل لهوی است
2. احتمال دوم این است که مقصود از لهو،آلات لهو باشد

اين يشتري با اين لهو و دو احتمال ارتباط دارد

اگر يشتري به معنای حقیقی و متعارف خود یعنی خرید و فروش باشد، لهو در آیه به معناي آلات لهو و یا استیجار شخص برای عمل لهو می‌باشد و اگر مراد از یشتری معنا و احتمال دوم باشد مراد از لهو فعل و عمل لهو می‌باشد.

تقریب احتمال اول در معنای کلمه یشتری در آیه

در تقریب احتمال اول دو مطلب بیان شده است

1. اصالة الحقيقه و اینکه معنای حقيقي اشتراء همان دادوستد متعارف است. معنای آیه این‌گونه می‌شود کسانی که آلات لهو بخرند یا اینکه کسی را برای عمل لهو استیجار کند تا مردم را گمراه کند.
2. شأن نزولي که برای آیه ذکرشده این احتمال را می‌رساند طبق آنچه در کتب روایی تفسیری بیان شده است نذر بن حارث در مقابل پیامبر که داستان‌هایی از قوم عاد و ثمود ذکر می‌کردند،برای گمراهی مردم کتب و داستان‌هایی را از اقوام دیگر جمع‌آوری و خریداری می‌کرد و آن‌ها را بیان می‌کرد.

تقریب احتمال دوم در معنای کلمه یشتری در آیه

چند شاهد بد اینکه مراد از یشتری احتمال دوم است وجود دارد

1. یکی از شواهد و قرائنی که دلالت بر معنا و احتمال دوم در کلمه یشتری می‌کند کثرت استعمال تجارت و شراء در معنا و احتمال دوم در قرآن -که به دو آیه از موارد کاربرد شراء و تجارت اشاره شد- می‌باشد تا جایی که استعمال آن در معنای دوم بیش از معنای حقیقی آن می‌باشد و در حدي هم هست که گويا يک معناي ديگر است نه اين که مجاز است که به دو اشتراء به معناي **تجارة تنجيکم من عذاب الله** اين معني در قرآن تداول و رواج دارد و استعمالش بیش‌ازحد حقيقي اوليه است که در این‌گونه موارد که کثرت استعمال در غیر معنای حقیقی وجود دارد تمسک به اصالة الحقيقه جای بحث و اشکال دارد.
2. شاهد دوم بر اینکه مراد احتمال و معنای دوم مراد است این است که در صورت حمل اشتراء بر معني اول باید لهو را بر غیر معنای حقیقی آن- که به معنای مصدری است- حمل نمود يعني موجب می‌شود که لهو را به معناي آلات لهو بگيريم يا اینکه اگر در معنای حقیقی لهو تصرفی نکنیم باید در معنای اشترا تصرف کرده و آن را تعمیم داد و به معناي استیجار گرفت که این هم مجاز و خلاف ظهور آیه است.

نظر استاد: ترجیح احتمال دوم

در مجموع و به دلایل زیر احتمال دوم را بر احتمال اول ترجيح دارد

1. شأن نزولی که در ذیل آیه بیان‌شده اعتبار سندی ندارد و اگر هم اعتبار داشته باشد این مطلب را که مراد از یشتری خرید و فروش متعارف است، نمی‌رساند بلکه حداکثر آنچه که شأن نزول می‌رساند ارتکاب به لهو به معنی بیان داستان‌های گمراه کننده است و این الزاماً قرینه بر احتمال اول نمی‌شود
2. اگر قائل به احتمال اول شویم مستلزم مجاز و خلاف ظهور در آیه می‌باشد در حالی این محذور در احتمال دوم به خاطر کثرت استعمال اشترا در قرآن در معنا و احتمال دوم، وجود ندارد
3. سوم اين که در روايات يشتري لهو الحديث بر عمل غنا تطبیق داده‌ شده نه بر آلات لهو، که تأییدی بر این مطلب است.

عدم موضوعیت اشترا در آیه

اصل در عناوین وارده در آیات و روایات، موضوعیت و نفسیت آن عناوین می‌باشد مگر اینکه دلیلی بر عدم موضوعیت باشد در آیه مورد بحث هم اصل در موضوعیت اشتراء لهو حدیث در حکم می‌باشد یعنی هر کجا اشتراء لهو نبود حرمتی هم نیست و فرقی ندارد که مراد از اشترا احتمال اول باشد یا مراد احتمال دوم باشد اما در این آیه قرینه‌ای وجود دارد بر اینکه اشتراء لهو موضوعیتی ندارد و آن لام غایتی است که در ادامه آیه «ليضلّ عن سبيل الله» آمده است ظاهر اين است که عتاب و خطاب متوجه ليضلّ است و اين اشتراء در حقيقت چون در مسير اضلال و مقدميت براي اضلال است به آن اشاره شده است. با توجه به این مطلب بحث از اینکه اگر مراد از اشترا احتمال اول باشد آیا می‌توان از اشترا الغاء خصوصیت کرد، بی‌فایده است